پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارۀ ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۱۴۳ـ۱۶۶ (مقاله پژوهشی)

No. 41, Autumn & Winter 2020/2021

معناشناسی واژه‌های «امانی» و «اُمنیه» در بافتارِ آیات قرآن‌کریم

فرهاد زینلی بهزادان[1]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۴/۱۲ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۵/۱)

چکیده

منظور از معناشناسی واژه‌های «اَمانی» و «اُمنیه» در بافتار آیاتِ قرآن کریم، تحلیل معناشناختی این واژه‌ها در بافت زبانی و موقعیتی آنهاست. در این تحلیل علاوه بر سیاق، آیات نظیر، اسباب نزول، مردم شناسی مخاطبان و سبک ارجاعی قرآن کریم آن‌گونه که ونزبرو ادعا می‌کند، نیز لحاظ می‌گردد. از معناشناسی واژه‌های «اَمانی» و «اُمنیه» در بافتارِ آیاتِ قرآن کریم این نتیجه کلی حاصل می‌شود که این واژه‌ها در تمام کاربردهای قرآنی خود با مفهوم «وعده» ارتباط معناشناختی نزدیکی دارند و به معنای «وعده‌های» خوشایندی هستند که انسان به خود و پیروان خود می‌دهد. مصادیقی از اَمانی، وعده‌هایی باطل و ناشی از فریبکاری شیطان هستند: مانند وعده داخل شدن در بهشت و رهایی سریع از آتش جهنم که یهودیان غرق در گناه دل خود را به آنها خوش کرده بودند و بی‌هیچ مستندی از وحی و تورات در این باره گمانه‌زنی می‌کردند. اما گاهی مصداقِ این وعده‌ها حق است: چنانکه در آیه ۵۲ سوره حج، مصداقِ واژه «اُمنیه»، «وعده فرج» است که انبیا و رسولان الهی آن را از وحی دریافت کرده و دلهای خود و پیروان خود را با آن محکم می‌کردند: این آیه در ارجاع به «وعده فرج» که در زبور حضرت داود علیه‌السلام قرار دارد، بیان شده است و تعبیر «القای شیطان» در این آیه، در ارجاع به پاسخ نمادین به شیطان در مراسم رمی جمرات بیان شده است. این مراسم در سرزمین «منا» انجام می‌شود که نام آن با واژه «اُمنیه» هم ریشه است.

کلید واژه‌ها: اَمانی، اُمنیه، بافت زبانی، بافت موقعیتی، سبک ارجاعی

---

۱. عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان؛ farhadzeinali@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

۱- مقدمه و بیان مساله

واژه «اَمانی» از ماده «م ن ی» و جمع «اُمنیّه» است (ابن‌منظور، ۲۹۴/۱۵). این واژه پنج بار و در چهار آیه قرآن کریم به کار رفته است (البقره، ۷۸ و ۱۱۱، النساء، ۱۲۳، الحدید، ۱۴). شکل مفرد واژه «اَمانی» یعنی واژه «اُمنیّه»، تنها یک بار و در ارتباط با فعل ماضی «تمنَّی» به کار رفته است: کاربرد اخیر که مربوط به آیه ۵۲ سوره حج است، از دیر باز زمینه ساز تفسیرهایی انحرافی گشته است که آخرین مورد آن در کتاب آیات شیطانی آمده است. برخی صحابه و تابعان بر مبنای تفسیر واژه «اُمنیّه» به معنای «آرزو» در آیه ۵۲ سوره حج، سبب نزول این آیه را به ماجرایی ربط داده‌اند که به علت ناسازگاری با عصمت رسول اکرم ص، این ماجرا به افسانه غرانیق مشهور شده است. در دو روایت نخست از افسانه جعلی غرانیق که طبری آن دو را مقدّم بر سایر روایات نقل کرده است، فعل «تمنّی» به معنای میل و آرزوی رسول اکرم (ص) برای مجامله با مشرکان آمده است: «...فتمنی یومئذ أن لا یأتیه من الله شیء فینفروا عنه»، «... تمنی فی نفسه أن یأتیه من الله ما یقارب به بینه و بین قومه...». توضیح این عبارات این است که در روایات مذکور ادعا شده است که هنگام سخن گفتن رسول اکرم (ص) با خود و آرزوی او در خلوت خود نسبت به نزولِ آیاتی که میان او و مشرکان اُلفت برقرار کند و در اَثنای نزول آیاتی از سوره نجم، شیطان کلماتی را بر زبان آن حضرت جاری می‌سازد که در مدح سه بت لات، منات و عُزی هستند: «تلک الغرانیق العلی، و إن شفاعتهن ترتضی» (طبری، ۱۳۱/۱۷). در روایتی دیگر از افسانه غرانیق که طبری آن را از زبان ضحاک نقل می‌کند، واژه «اُمنیّه»، به معنای «تلاوت» به کاررفته است: به این صورت که ضحاک مدعی شده است که در ادامه نزول آیاتی از سوره نجم و هنگام تلاوت آنها توسط رسول اکرم ص، شیطان این کلمات را در تلاوت آن حضرت وارد کرد: «تلک الغرانیق العلی، منها الشفاعة ترتجی» (همانجا، ۱۳۳).

مفسران در تفسیر واژه «اُمنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، حداقل سه معنای «آرزو»،

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

«تلاوت» و «با خود حدیث گفتن» را ذکر کرده‌اند (بـه ترتیـب نکـ : طباطبـایی، ۳۹۱/۱۴، قرطبی، ۸۰/۱۲، میبدی، ۳۸۶/۶). مفسران در ارتباط با پنج کاربرد قرآنـی واژه «اَمـانی» – که جمع واژه «اُمنیّه» است– شش معنایِ «اَحادیث»، «اَکاذیب»، «اَباطیل»، «مَواعید بی‌اساس»، «مَزاعم» و «تلاوت» را ذکر کرده‌اند (بـه ترتیـب نکـ : هـواری، ۱۱۷/۱، زحیلـی، ۱۹۶/۱، سمرقندی، ۶۷/۱، آلوسی، ۳۰۲/۱ و طباطبایی، ۸۶/۵، حقی بروسوی، ۴۹/۶). بنابراین بـا توجه به همه کاربردهای قرآنی، می‌توان نتیجه گرفت که مفسران در تفسیر یک کاربرد واژه «اُمنیّه» و شش کاربردِ واژه «اَمانی»، در مجموع هشت معنای مختلف را ذکـر کـرده‌انـد کـه حاکی از اختلاف نظر شدید در زمینه معناشناسی این واژه‌هاست و نیاز به پژوهش در ایـن زمینه را آشکار می‌سازد.

از بررسی پیشینه پژوهش درباره معناشناسی واژه‌های «اَمانی» و «اُمنیه» در قـرآن کـریم این نتیجه حاصل می‌شود که پژوهش در این زمینه به طور عمده محدود به اظهار نظرهـای مختصر مفسران در کتب تفسیری می‌شود: آنها از دیرباز واژه‌های «اَمـانی» و «اُمنیـه» را بـه صورت منفرد و بدون توجه به بافتارِ آیات تفسیر کرده‌اند و تفسیر ارایه شده بیشتر متاثر از اقوال تفسیری صحابه و تابعان بوده است اما برخی مفسران متاخر مانند علامه طباطبـایی و عبدالکریم خطیب، پیرو روش تفسیری قرآن با قرآن، به تفسیر واژه «اُمنیه» با توجه به بافتِ آیات دربرگیرنده آن، توجه نشان داده‌اند.

علامه واژه «اُمنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج را به معنای آرزوی قلبی انبیا و رسولان الهـی نسبت به پیشرفت دین و ایمان مردم به آن تفسیر می‌کند و القاءات شیطان در «اُمنیّه» انبیا و رسولان الهی و ابطال آنها را بدین گونه تفسیر می‌کند که، هـر رسـول و نبـی هنگـامی کـه آرزوی قلبی‌اش – یعنی هماهنگی اسباب در جهت پیشرفت دینش و روی آوردن مـردم و ایمان به آن را در نظر گرفت– شیطان در آن مداخله کرد و با وسوسـه مـردم و بـرانگیختن ظالمان و تحریک مفسدان، کار و تلاش آن رسول و نبی را مختل کرد سپس خـدا القـاءات شیطان را از بین برده سپس با به ثمر رساندن تلاش رسول و نبـی و ظـاهر سـاختن حـق،

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

آیاتش را محکم می‌سازد. در این تفسیر اِحکام آیات با «به ثمر رساندن تلاش رسول و نبی» توسط خداوند متعال محقق می‌شود (طباطبایی، ۳۹۱/۱۴). از این سخن علامه که می‌گوید: «... ثم یحکم الله آیاته بإنجاح سعی الرسول أو النبی...». برداشت می‌شود که از نظر او مصداق «آیات» در این آیه، تلاش‌های انبیاء و رسولان الهی در راه پیشرفت دین است. علامه مرجع ضمیر هاء در آیه ۵۴ از سوره حج و در عبارت «**أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ**» را «**ما تمنّاه الرسول او النبی**» یا همان «تمنای رسول و نبی» می‌داند و آن را از عبارت «**إِذا تَمَنَّی**» بدست می‌آورد. از نظر علامه، اهل علم به دلیلِ باطل شدنِ اِلقای شیطان همچنین اِحکام آیات الهی، نسبت به حقانیت و منشاء الهی «تمنای رسول و نبی» علم پیدا می‌کنند (همانجا، ۳۹۳). در نقد نظر علامه باید به این نکته توجه داشت که آرزوی قلبی پیامبران نسبت به پیشرفت دین و ایمان مردم به آن امری اِنشائی است و خبر نیست بنابراین نمی‌تواند قابلیت صدق و کذب و اتصاف به صفت «حق بودن» را داشته باشد. بنابراین پی بردن اهلِ علم به حقّانیتِ «تمنای رسول و نبی»، وجهی ندارد و نیاز است واژه «اُمنیّه» به گونه‌ای تفسیر شود که قابلیت اتصاف به صفت «حق بودن» داشته باشد. در نقدی دیگر باید گفت که علامه واژه «اُمنیّه» را مستقل از مفهوم «سعی کافران در آیات» در آیه۵۱ سوره حج تفسیر کرده است در نتیجه ارتباط معناشناختی «اِلقای شیطان» در آیه ۵۲ سوره حج با مفهوم «سعی کافران در آیات» در آیه۵۱ را روشن نکرده است و لازم است در این باره تحقیق شود.

عبدالکریم خطیب واژه «اُمنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج را به «آرزوی هر نبی و رسول برای هدایت همه افراد قومش» تفسیر می‌کند که شامل همه انبیا و رسولان الهی می‌شود. او القای شیطان در «اُمنیّه» انبیا و رسولان الهی را بدین گونه تفسیر می‌کند که شیطان سفیهان، احمقان و جاهلان را وسوسه می‌کند تا آنها در برابر تحقق این آرزوی انبیا و رسولان الهی بایستند. در این نزاع شیطان با انبیاء و رسولان الهی، کید شیطان به علت ضعف توان مقابله با حق را ندارد و خداوند آن را باطل می‌سازد و انبیاء و رسولان الهی با پیروانشان –که عده قلیلی هستند – از این نزاع نجات می‌یابند (خطیب، ۱۰۶۳/۹–۱۰۶۵). از نظر خطیب

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

عبارت «ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آياتِه» به نجات نبی یا رسول از بلای دسیسه‌های شیطان اشاره می‌کند و نبی و رسول را مصداق آیات الهی تثبیت شده معرفی می‌کند (همانجا، ۱۰۶۶). از نظر خطیب متعلق علمِ اهل علم در آیه ۵۴ سوره حج «محتوای دعوت رسول و نبی» است و فرایند آن را چنین تبیین می‌کند که از سایش حقی که پیامبران به آن دعوت می‌کنند بر باطلی که شیطان القا می‌کند، جرقه‌هایی درخشان ساطع می‌شود که اهلِ علم در نور آن جرقه‌های درخشان به فرق بین حق و باطل پی می‌برند و در نتیجه شناختشان نسبت به حق تقویت شده و به آن اطمینان بیشتری پیدا می‌کنند (همانجا، ۱۰۶۹). به نظر می‌رسد تفسیر خطیب نمی‌تواند نحوه علم پیدا کردن اهل علم در آیه ۵۴ را توضیح دهد و ادعایی بی‌دلیل است بنابراین باید تفسیری ارایه گردد که نحوه علم پیدا کردن اهل علم در آیه ۵۴ را توضیح دهد.

به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از کارکردهای «بافت» در دانش معناشناسی می‌توان افقی نو فراروی تفسیر واژه‌های «اَمانی» و «اُمنیه» در آیات قرآن‌کریم باز کرد. از نگاه دانش معناشناسی، «بافت» از تاثیرات معناشناختی توالی کلمات و جملات بر یکدیگر فراتر می‌رود و علاوه بر آن شامل فضای محیطی و روانی حاکم بر گوینده و شنونده می‌شود که خود نیازمند بررسی‌های فرهنگی، محیطی و اجتماعی است (عموش، ۳۰). از نظر اولمان بافت تنها شامل کلمات و جملات مرتبط با لفظ مورد نظر نمی‌گردد بلکه تمام قطعه شعری و کتاب و تمام شرایط و مناسبات محیط بر کلمه را در برمی‌گیرد (همانجا، ۳۶).

در دانش معناشناسی مفهومِ «بافت» در دو شکل «بافت زبانی» و «بافت موقعیتی» بررسی می‌گردد: از منظر معناشناسی نظری ایده اصلی در بررسی همنشینی معنایی این است که کلمات در همنشینی با یکدیگر و در قالب عبارت، جمله یا متن –که از آن با اصطلاح «بافت زبانی» تعبیر می‌شود – بر معنای یکدیگر تاثیر می‌گذارند. (صفوی، ۴۸-۴۷) معنی شناسی کاربردی به عنوان شاخه دوم معنی شناسی زبانی، به «بافت موقعیتی» یا همان «دلالت ارجاعی» (reference) نیز می‌پردازد. «دلالت ارجاعی» به رابطه واژگان و جملات با مصادیق خارج از نظام زبان اشاره دارد (همانجا، ۶۱) عواملی چون: کیستی گوینده،

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

شنونده و شاهدان گفتگو، چیستی موضوع و قصد گفتگو، چگونگی زمان و مکـان گفتگـو، رویدادی که گفتگو در آن شکل می‌گیرد، مجرایی که گفتگو از طریق آن انجـام مـی‌پـذیرد مثل تلفن، نامه، تلگرام، پیامک، وحی...، چیستی زبان و رمـوزی کـه گفتگـو بـا آن انجـام می‌پذیرد، «بافت موقعیتی» را به وجود می‌آورند و با بر هم کنش بر یکدیگر معنـا را ایجـاد می‌کنند. (صفوی، ۲۰)

مفهوم بافت و کارکردهای معناشناختی آن مورد توجه مفسران مسلمان نیز بوده است و «بافتِ زبانی» به مفهوم «سیاق» در سنت تفسیری مسلمانان نزدیک اسـت امـا طبـق برخـی تعریف‌ها از مفهومِ «سیاق»، تفاوتهایی بین این دو مفهوم دیده می‌شـود: برخـی، «سـیاق» را قرینه‌ای لفظی می‌دانند که از همنشینی واژه‌ها، جملات و آیاتی که از پیوستگی در نـزول و وحدت موضوعی برخوردارند، ایجاد می‌شود (برگرفته از مباحث بابایی و همکاران، ۱۳۷-۱۲۴) بنابراین در مواردی که بین آیات وحدت موضوعی وجود دارد اما پیوستگی در نزول وجود ندارد، تاثیر معناشناختی جملات و آیات بر یکدیگر را از نوع تاثیر «سیاق» نمی‌دانند (همانجا، ۱۲۸) در این تلقی از سیاق، تفسیر آیات قرآن کریم به قرینه آیـات نظیـر آنهـا – آن‌طور که در روش تفسیری قرآن با قرآن معمول است- مشمول مفهـومِ «سـیاق» نیسـت. حال آنکه مفهوم بافتِ زبانی در دانش معناشناسی، علاوه بـر تـاثیرات معناشـناختی آیـات همنشین، تاثیرات معناشناختی آیاتِ نظیر را نیز در بر می‌گیرد.

مفسران مسلمان در تفسیر آیات به بافتِ موقعیتی نیز توجه نشان داده‌انـد و اهتمـام بـه مکان، زمان و حوادث مرتبط با نزول آیات که در مباحث مکی و مدنی، ناسخ و منسـوخ و اسباب نزول تجلی یافته است، شاهدی بر این ادعاست اما آنها کمتر به دلالت‌های ارجاعی آیات و رابطه معناشناختی پنهان آنها با سایر متون مقدس همچون عهد عتیق و عهد جدید، توجه نشان داده‌اند. ونزبرو در سراسر آثارش به این ویژگی اساسی قرآن کریم اشاره کـرده است و از آن با عنوان سبکِ «اِرجاعی» قرآن کریم یاد می‌کند. یکی از روشن‌ترین مثال‌های ونزبرو درباره سبک اِرجاعی قرآن کریم، مربوط به مبهم بودن نام بنیامین در آیه ۵۹ سـوره

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

یوسف است: او معتقد است که قرآن کریم با اتکا بر داستان یوسف ع در تورات، اطلاعِ مخاطبان از بنیامین را مفروض انگاشته است و در سوره یوسف (ع) و هیچ سوره دیگری، به بنیامین و اینکه او بخاطر نگرانی پدر از سلامتی‌اش در خانه ماند و با برادران به مصر سفر نکرد، اشاره‌ای نشده است. در رویکرد ارجاعی به متن قرآن کریم، مخاطبان فقط دریافت کننده محض سخنان خدا نیستند بلکه از نقشی فعال در پرکردن جزئیات و حلقه‌های مفقود در سخنان نازل شده برخوردارند (ریپین، ۲۳/۲۰۴-۲۰۲).

۲- معناشناسی واژه «آمانی» در آیه ۷۸ و ۱۱۱ سوره بقره

واژه «اَمانی» در آیه ۷۸ سوره بقره در ارتباط با اهل کتاب و در بافتارِ اشاره به تحریف و کتمان کلام الهی توسط آنان و اقدام آنان به جعل نوشته‌هایی به نام خدا بیان شده است. این بافتار در دسته آیات ۷۵ تا ۸۱ از سوره بقره منعکس شده است.

عبارت «يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ» در آیه ۷۵ از سوره بقره، به تحریف سخنان خدا توسط علمای یهود اشاره دارد. این آیه با اقدام برخی از علمایِ یهود که به تحریف صفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تورات اقدام کرده بودند، قابل تطبیق است: در روایتی از امام باقر ع به این تحریف علمای یهود اشاره شده است و انگیزه آن ایجاد شک برای عوام یهودی بیان شده است (طبرسی، ۳۲۲/۱). چنانکه قرآن کریم تصریح می‌کند در تورات وعده آمدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مکتوب بوده است همراه با این مژده که، آن حضرت برای آنها فرج و گشایش خواهد آورد و بارهای سنگین و زنجیرها را از آنها خواهد گشود (الاعراف، ۱۵۷). به اعتبار این وعده توراتی، یهود در برابر دشمنی کافران طلب فرج می‌کردند (البقره، ۸۹) اما چنانکه آیه اخیر اشاره می‌کند، علمای یهود با بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به آن حضرت کافر شدند. برخی از آنها به تحریف صفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تورات و برخی از آنان به کتمان این وعده اقدام کردند: طبق روایتی از امام باقر (ع)، آیه ۷۶ از

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

سوره بقره به کتمان صفات رسول اکرم ص توسط بزرگان یهود اشاره می‌کند که در تورات نوشته شده بود (طبرسی، ۲۸۶/۱). طبق این آیه، کتمان وعده بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به این صورت بود که آنها بعد از بعثت آن حضرت، عوام یهودی را از اِفشای این وعده برای مسلمانان نهی می‌کردند با این استدلال که در صورت افشای این وعده، مسلمانان در روز قیامت نزد خداوند علیه آنها محاجّه خواهند کرد. در آیه ۷۷، خداوند پرده از این فریبکاری علمای یهود برداشته و در جهت آگاه کردن عوام یهودی، خداوند را مطلع از غیب و آشکار آنان معرفی می‌کند. آیه ۷۹ به انگیزه مالی علمای یهود در تحریف صفات توراتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نوشتن صفاتی جعلی به جای آن اشاره می‌کند: ابن عباس در تفسیر عبارت «**فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَاذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُواْ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا**»، به تغییر صفات رسول اکرم محمد (ص) توسط برخی علمای یهود اشاره می‌کند و انگیزه مالی آنها را چنین بیان می‌کند که آنها می‌ترسیدند که عوام یهود به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ایمان آورده و از حمایت مالی خود از آنها دست بردارند (سیوطی، ۸۲/۱).

در میانه این بافت از آیاتِ مربوط به تحریف و کتمان وعده تورات مبنی بر بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توسط علمای یهود و تحمیق عوام یهودی توسط آنها، در آیه ۷۸ به «اَمانی» اشاره شده است که منتهای معلومات عوام یهود بوده است: بنا بر فرضِ منقطع بودن استثنا در آیه ۷۸ (نک : بیضاوی، ۸۹/۱). «اَمانی» عوام یهود ربطی به کتاب تورات ندارد بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این «اَمانی» ریشه در جعلیات علمای یهود دارد. بر اساس عبارت همنشین با واژه «اَمانی» یعنی عبارت قرآنی «**وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ**» این «اَمانی» محصول گمانه‌زنی است. طبق آیه ۸۰ از سوره بقره، علمای یهود به جماعت یهود از طرف خدا وعده رهایی سریع از آتش جهنم را می‌دادند و قرآن کریم این وعده را محصول گمانه‌زنی و نوعی افترا بر خداوند می‌داند و تاکید می‌کند همه کسانی که غرق در معصیت هستند برای همیشه در جهنم باقی خواهند ماند. با توجه به وقوع واژه «اَمانی» در

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

بافتی از آیات مربوط به «وعده»، این فرضیه قوت می‌گیرد که این واژه با مفهوم «وعده» رابطه معناشناختی دارد: بنابراین واژه «اَمانی» در آیه ۷۸ از سوره بقره، قابل تطبیق بر آیه ۸۰ و بر وعده‌هایی است که علمای یهود در جهت حفظ هویت یهودی و استمرار منافع مالی خود در برابر هجوم اسلام، جعل کرده و به عوام یهودی تعلیم می‌دادند: وعده‌هایی دروغین از زبان خدا مثل وعده رهایی سریع از آتش جهنم، که در آیه ۸۰ از سوره بقره، به آن اشاره شده است. شاهد دیگر بر صحت این فرضیه در آیه ۱۱۱ سوره بقره آمده است: بر اساس این آیه هر یک از دو گروه یهودیان و مسیحیان بدون آنکه مستندی از طرف خداوند داشته باشند به خود از طرف او وعده بهشت می‌دادند. در این آیه با کمک اسم اشاره «تِلْکَ» این وعده‌ها مصداقِ «اَمانی» معرفی شده‌اند.

عدم استناد «اَمانی» عوامِ یهود به کتاب تورات و هیچ برهان دیگری، در هر دو آیه ۷۸ و ۱۱۱ از سوره بقره مورد توجه قرار گرفته است. عبارت «**تَقُولُونَ عَلیَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ**» در آیه ۸۰ سوره بقره نشان می‌دهد که «أمانی» آنها با نسبت دادن بی دلیل اموری به خداوند مرتبط بوده است. تعدیه «تَقُولُونَ» با حرف تعدّی «علی» در عبارت «**تَقُولُونَ عَلیَ اللَّهِ**» به معنای گفتن سخنی از طرف خدا بر سبیل افتراست و به سان برخی کاربردهای فعل «تمنّی» است که با حرف «علی» متعدی شده و به معنای وعده دروغ دادن از طرف خداست: بغدادی در توضیح عبارت «تمنّی علی اللّه الأمانی» از حدیث نبوی، آن را به این گفته یهودیان گناهکار ربط می‌دهد که بعد از روی آوردن به گناه چنین می‌گفتند: «**سَیُغْفَرُ لَنَا**» و این گفته را دقیقا مصداق عبارت حدیثیِ «تمنّی علی اللّه الأمانی» می‌داند.» (بغدادی، ۲۶۵/۲). عبارت «**سَیُغْفَرُ لَنَا**» اشاره به تمنّی گروهی از یهودیان دارد که به دنیا اندوزی پرداخته و برخلاف تعالیم تورات، از طرف خداوند به خود وعده می‌دادند که مورد عفو او قرار خواهند گرفت (الاعراف، ۱۶۹).

ارتباط معناشناختی واژه «اَمانی» با مفهوم «وعده» در بافتِ آیه ۷۸ سوره بقره، نظر ابومسلم اصفهانی درباره معناشناسی این واژه را تایید می‌کند: او واژه «أمانی» در آیه ۷۸

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

سوره بقره را به معنای «مواعید بی‌اساس» می‌داند و هنگام ذکر مصادیقِ این معنا به «وعدهایی بی‌پایه» اشاره می‌کند که عوام یهودی از اَحبار خود می‌شنیدند مبنی بر اینکه در بهشت کسی جز یهودیان وارد نخواهد شد و اینکه آتش جز روزهایی اندک، با آنها تماس پیدا نخواهد کرد. نظر ابومسلم بر این فرض استوار است که استثنای موجود در عبارت «**إِلاَّ أَمانِيَّ**» از آیه ۷۸ سوره بقره منقطع باشد (آلوسی، ۳۰۲/۱). برخی مفسران واژه «أمانی» در این آیه را به معنای «اکاذیب» می‌دانند (طباطبایی، ۲۱۵/۱، زحیلی، ۱۹۶/۱، ابن عجیبه، ۱۲۳/۱). معنای «اکاذیب» با نظر ابومسلم اصفهانی قابل جمع است زیرا «مواعید بی اساس» مصداقی از «اکاذیب» هستند. معنای «اباطیل» به عنوان احتمالی دیگر (نک: سمرقندی، ۶۷/۱) نیز با معنای «مواعید بی اساس» قابل جمع است چون «مواعید بی‌اساس» غیرمستند و در نتیجه باطل هستند. زمخشری در تفسیر «اَمانی» در آیه ۷۸ سوره بقره مثالهایی را ذکر می‌کند که همگی مصداقِ «مواعید بی اساس» هستند (زمخشری، ۱۵۷/۱).

برخی دیگر از مفسران واژه «أمانی» در آیه ۷۸ سوره بقره را به معنای «تلاوت» دانسته‌اند: یعنی بهره عوام یهودی از تورات فقط تلاوت صرف بوده و به معنای آن پی نمی بردند یا اینکه سواد خواندن خط تورات را نداشتند و فقط آن را از حفظ می‌خواندند بدون آنکه به معنای آن پی ببرند (حقی بروسوی، ۴۹/۶، بغوی، ۱۳۶/۱). معنای «اَحادیث» که برخی دیگر ذکر کرده‌اند عبارت دیگری از معنای «تلاوت» است: یعنی عوام یهودی اطلاعی مستقیمی از متن تورات نداشتند مگر آن مقدار که به آنها گفته شده بود (هواری، ۱۱۷/۱). به عبارتِ دیگر آنها فهمی از تورات نداشتند و به آنچه می‌شنیدند و بر آنها تلاوت می‌شد اکتفا می‌کردند (ابن جوزی، ۸۱/۱). این معانی با بافتِ آیه ۷۸ سوره بقره همخوانی ندارد: چون تاکید بافتِ آیاتِ پیرامون این آیه بر تحریف، جعل و افترا بر خداوند از سوی علمای یهود است و با معنای «مواعید بی‌اساس» سازگارتر است به ویژه آنکه در آیه ۱۱۱ سوره بقره وعده بی‌پایه ورود به بهشت که یهودیان دل خود را با آن خوش کرده بودند، مصداق «اَمانی» معرفی شده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

۳- معناشناسی واژه «اَمانی» در آیه ١٤ سوره حدید

کاربرد دیگر واژه «اَمانی» در آیه ۱۴ سوره حدید است: در این آیه واژه «اَمانی» در بافتِ مربوط به فریب و در ارتباط با منافقان که در آیه ۱۳ از این سوره به آنها اشاره شده است، به کار رفته است: به نظر می‌رسد منظور از منافقان در این آیه جماعتی از یهود هستند که در ظاهر به اسلام ایمان آورده اما در خلوت اعتقادی به اسلام نداشتند: به این دلیل که در بافتی مشابه و در آیات ۷۶ تا ۷۸ از سوره بقره نام این یهودیان در پیوند با «اَمانی» و «نفاق» مطرح شده است. چنانکه آیه ۷۶ از سوره بقره گزارش می‌دهد این گروه از یهودیان در ظاهر و در ملاقات با مومنان اظهار اسلام می‌کردند اما در خلوت اعتقادی به اسلام نداشتند: به همین دلیل منافق نام گرفته‌اند.

ویژگی «اَمانی» مورد نظر در آیه ۱۴ سوره حدید، فریبا بودن آنهاست و از آنجا که منافقان را فریب می‌دهند می‌توان نتیجه گرفت که ظاهری خوشایند اما باطنی پوچ دارند. طبق آیه ۱۴، «اَمانیِ فریبا» از «غَرور» نشات می‌گیرند: مصداقِ «غَرور» از نظر مفسران همان «شیطان» است (طوسی، ۵۲۷/۹، طبرسی، ۳۵۵/۹، زمخشری، ۱۷۶/۴، آلوسی، ۱۷۸/۱۴، طباطبایی، ۱۵۷/۱۹) شیطان با «وعده‌های فریبنده» انسان را فریب می‌دهد: «...وَ عِدْهُمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلاَّ غُرُوراً» (الاسراء، ۶۴) چنانکه حضرت آدم و حوا علیهماالسلام را با «وعده» خوشایند و پوچ «فرشته شدن» و «جاودانه شدن» فریفت (الاعراف، ۲۲-۲۱). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «فریبا بودن» ویژگی مشترک «وعده‌های» شیطان و «اَمانی» او است و این ویژگی مشترک نشان از پیوند معناشناختی نزدیک این دو مفهوم دارد. رهایی سریع از آتش جهنم که یهودیان غرق در گناه به خود وعده می‌دادند و در آیه ۸۰ سوره بقره و در بافتِ مربوط به تشریح «اَمانی» به کار رفته است، نمونه‌ای از این «اَمانی» است: وعده رهایی سریع از آتش جهنم، در آیه‌ای دیگر فریبنده معرفی شده است (آل‌عمران، ۲۴) بنابراین از منظر معناشناختی، وعده رهایی سریع از آتش جهنم به علت وصفِ فریبایی، می‌تواند مصداقی از «اَمانی» باشد. قابل ذکر است که علامه مجلسی در شرح عبارتِ حدیثیِ

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

«غرّته الأمانی»، که به فریبا بودن «اَمانی» اشاره می‌کند، واژه «اَمانی» را به معنای «وعده‌های کاذب» شیطان می‌داند (مجلسی، ۱۴۵/۱۱).

٤- معناشناسی واژه «آمانی» در آیه ۱۲۳ سوره نساء

واژه «اَمانی» در آیه ۱۲۳ سوره نساء در بافتی از آیات مربوط به شریک گرفتن بت‌های مونث برای خدا، «وَعد» و «تمنیّه» شیطان و «وعده» بهشت به مومنان صالح، بیان شده است: این بافتار در دسته آیات ۱۱۶ تا ۱۲۳ از سوره نساء منعکس شده است.

منظور از بت‌های مونث در آیه ۱۱۷، سه بت لات، عُزّی و منات است. (ابن‌عاشور، ۲۵۶/۴). نام این سه بُت در افسانه غرانیق نیز ظاهر می‌شود (طبری، ۱۳۲/۱۷-۱۳۱). در سوره نجم نام سه بت لات، عُزّی و منات، با موضوع پسردار شدن و فعل ماضی «تمنّی» همنشین شده است (النجم، ۲۴-۱۹).

بررسی‌های مردم شناختی درباره بُت منات این فرضیه را تقویت می‌کند که مشرکان برای ایجاد گشایش در مواجهه با امور ناگوار به این بت پناه می‌بردند: جواد علی بر این نظر است که بت «منات» در ذهن مشرکان خدایی کریم بوده که در ناگواری‌ها و سختی‌ها بندگان خود را یاری می‌کرده است و بت «منات» قسمت‌ها، «اَمانی» و خصوصا مرگ را نمایندگی می‌کرده است (جواد علی، ۱۹۸/۶-۱۹۷). در لغت «مَنیّه» به معنای «مرگ» و هم ریشه واژه «منات» است (ابن‌منظور، ۲۹۲/۱۵). طبق گزارش جواد علی، مشرکان معتقد بودند که خدایان به عبادت کنندگانی که برای معبد نذر می‌کردند مال و برکت و فرزند پسر عطا می‌کنند و آنها را از بلا، آفت و بیماری نجات می‌دهند و جانشان را در جنگها نجات می‌دهند (جوادعلی، ۱۴۲/۶-۱۴۱). بیومی بر این نظر است که بت «منات» در میان نبطی‌ها نماینده «اَمانی» و خدای سرنوشت بوده و اسم آن از واژه عربی «مَنیّه» به معنای «سرنوشت مقدر» گرفته شده است. همچنین «مناتو» در میان بابلیان خدای سرنوشت بوده است. (بیومی، ۲۰۲/۱) هاکس «مِنی» را بتی می‌داند که در کتاب اشعیا از عهد عتیق نامش ذکر

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

شده است و در فارسی نامش به «بخت» ترجمه شده است (هاکس، ۸۴۰). اشاره به موضوع پسردار شدن، بلافاصله بعد از ذکر اسم منات در آیه ۲۰ سوره نجم، می‌تواند اشاره تلویحی به این عمل مشرکان داشته باشد که از ترس دختردار شدن، به بت منات متوسل می‌شدند. در لغت، واژه «مَنیّ» هم ریشه واژه «منات» و به معنای آب مرد است که قابلیت تبدیل به دختر و پسر را دارد (صاحب، ۴۱۶/۱۰). از آنجا که دختردار شدن در نظر مشرکان امری ناگوار بوده است (النحل، ۵۸)، بعید نیست که آنها برای تبدیل نشدن «مَنِیّ» خود به دختر، نزد بت مونث «مَنات»، «تَمَنّی» می‌کردند. کاربرد فعل «تَمَنّی» در آیه ۲۴ سوره نجم و در ارتباط با اسم بت «منات» در آیه ۲۰، شاهدی بر این ادعاست.

چنانکه از دسته آیات ابتدای این بخش پیداست، واژه «اَمانی» در بافتِ اشاره به «وَعد» و «تمنیّه» شیطان به کار رفته است: در آیه ۱۱۸ شیطان محرک مشرکان در شریک گرفتن بت‌ها معرفی شده است و طبق آیه ۱۲۰ سوره نساء او با «وَعد» و «تمنیّه» مشرکان را فریب می‌دهد. واژه «وَعد» مصدر و به معنای «وعده دادن» است که علاوه بر وعده‌های خوشایند شامل وعده‌های ناخوشایند هم می‌شود (بیضاوی، ۱۶۰/۱) به عنوان مثالی برای «وَعده‌های» ناخوشایند می‌توان از وعده فقیر شدن یاد کرد که شیطان به دوستانش وعده می-دهد (البقره، ۲۶۸). «تمنیّه» از باب «تفعیل» و هم ریشه واژه «اَمانی» است و به معنای «وعده دادن به دیگری» است اما مصدر «تمنِّی» از باب تَفعُّل است و به اقتضای معنای مطاوعه از این باب، به معنای «وعده دادن به خویشتن» است. «تَمَنّی» در لغت به دو معنای «آرزو کردن امری دوست داشتنی» و «با خود سخن گفتن درباره آنچه خواهد شد و نخواهد شد»، آمده است (ابن‌اثیر، ۳۶۷/۴). هر دو معنا با معنای «به خود وعده خوشایند دادن» مناسبت دارد. علامه مجلسی لغت «أمنیّة» را به معنای امید به امری دوست داشتنی یا وعده دادن به آن می‌داند: «و الأمانی جمع الأمنیة و هو رجاء المحبوب أو الوعد به». (مجلسی، ۱۷۶/۴).

ابن عاشور در تفسیر تمنیّهِ شیطان، چنین می‌گوید: «معنی «وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ»: لأُعدنّهم مواعید کاذبة،... یقال: «منّاه»، إذا وعده المواعید الباطلة: معنای «وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ» این است: قطعا به آنها

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

وعده‌های دروغ می‌دهم ...گفته می‌شود: «مَنّاه» هنگامی که بـه او وعـده‌هـای باطـل دهـد (ابن‌عاشور، ۲۵۸/۴). طبق آیه ۱۲۰ سوره نساء عاملِ شکل‌گیری «اَمانی» مشـرکان، تمنیّـهِ شیطان است. «اَمانی» فقط شامل وعده‌های خوشایند می‌شـوند امـا در مواجهـه بـا شـرایط ناگوار شکل می‌گیرند و در مورد اَمانی باطل، خوشایند بودن ظاهر آنها پوششی بر کذب و بی‌پایه بودن آنهاست: پیش از این ذکر شد که مشرکان برای مواجهه با شرایط ناگوار به بت منات به عنوان خدای «اَمانی» متوسل می‌شدند. مشرکان از تـرس مکافـات دنیـوی اعمـال بدشان، به بت منات پناه می‌آورند و دل خود را با «اَمانی» یا همان وعـده‌هـای مربـوط بـه بخشوده شدن خوش می‌کردند. جواد علی در باره اعتقاد مشرکان درباره آثار اعمال چنـین گزارش می‌دهد که اعتقادِ مشرکان این بود که هر آنچه انسان از کارهای خیر و شـر انجـام می‌دهد به زودی در همین دنیا به پاداش و عقابش می‌رسد و این آلهه هسـتند کـه پـاداش می‌دهند و کیفر می‌کنند. اگر پاداش و ترس از عذاب در این دنیـا نبـود هرگـز انسـان بـت پرستِ فقیر عزیزترین دارایی‌اش را تقدیم آلهه نمی‌کرد (جوادعلی، ۱۴۲/۶-۱۴۱). بنابراین بهتر است که مرجع ضمیر «کُم» در عبارت قرآنی «لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ» از دسته آیات ابتدای ایـن بخش، مشرکان در نظر گرفته شود زیرا بافتِ آیات پیشین مربوط بـه شـرک و سـنت‌هـای شرک‌آلود مشرکان است و «اَمانی» در ارتباط با آنهـا و در خصـوص وعـده‌هـای فریبنـده شیطان به مشرکان یا همان «تمنیّه»، مطرح شده است در نتیجه واژه «اَمانی» در عبارت «لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ» ربطی به مسلمانان ندارد و نباید «اَمـانی» را بـه معنـای «آرزوی» مشـرکان بـرای داخل شدن در بهشت دانست چون آنها چنین آرزویی نداشتند. قابل ذکر است که در برخی از تفاسیر به عنوان یک احتمال مرجع ضمیر «کُم» در عبارت «لَّيْسَ بِأَمَـانِيِّكُمْ» مشـرکان در نظر گرفته شده‌اند. (طبرسی، ۱۷۶/۳ و فخررازی، ۲۲۵/۱۱) علـی بـن ابـراهیم قمـی نیـز عبارت «لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ» را به آرزوی بهشت مربوط ندانسته بلکه آن را به عذاب نشدن ربط داده است (قمی، ۱۵۳/۱). آیه اخیر علاوه بر مشرکان، اهل کتاب را نیز مخاطب قـرار داده است: اهل کتاب بخاطر گناهانشان از عذاب جهنم ترس داشتند و بـا «اَمـانی» دل خـود را خوش کرده بودند و به خود وعده رهایی از آتش جهنم را می‌دادند اما در دسته آیات بـالا،

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

خداوند «اَمانی» را برای معاف ماندن از مکافات عمل چاره ساز نمی‌داند و بـه گناهکـاران اعم از مشرکان و اهل کتاب وعده مجازات می‌دهد (النساء، ۱۲۳). اهل کتاب بـا آنکـه دل خود را با «اَمانی» خوش کرده بودند اما نمی‌توانستند به طور کامل خود را فریـب دهنـد در نتیجه نسبت به حقانیت «اَمانی» در شک و گمان به سر می‌بردند (البقره، ۷۸). به همین دلیل از مکافات گناهان خود می‌ترسیدند و از «تَمَنّی» مرگ ابا می‌کردند حال آنکه در جهان‌بینی قرآنی «مرگ» برای اولیای الهی امری خوشایند است (الجمعه، ۷-۶).

۵- معناشناسی واژه «اُمنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج

پیش از ذکر واژه «اُمنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج، یعنـی در آیـات ۴۷ تـا ۴۹ سـوره حـج، سخن از «وعده» عذاب الهی است: «وَ یَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَ لَن یخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ...» در ایـن آیات خداوند با تاکید بر محقق شدن وعده عذاب، به کافران درباره وقوع ایـن وعـده هشـدار می‌دهد و در برابر استعجال آنها برای تحقق وعده عذاب، به سنت امـلاء و حلـم الهـی اشـاره می‌کند. پس از آن و در آیه ۵۱ به سعی معاجزانه کافران در «آیات الهی» اشاره شده است.

واژه «اُمنیّه» در صدر آیه ۵۲ آمده است و شکل مفرد واژه «اَمانی» است. ایـن واژه اسـم جنس بوده و به ضمیر «هاء» اضافه شده است و چنانکه سیوطی ذکر مـی‌کنـد اسـم جـنسِ مضاف، معنایی عام دارد (سیوطی، ۶۳۱/۱). همچنین مرجع ضمیر «هاء» یعنـی «رسـول» و «نبی» کلماتی نکره هستند که در سیاق نفی قرار گرفته‌اند و نکره در سـیاق نفـی و نهـی، از ساختارهای عام ساز است (سیوطی، ۶۳۱/۱). بنابراین واژه «اُمنیّه» در صدر آیه ۵۲ سـوره حج بر همه اَمانی تمام رسولان و انبیای الهی دلالت دارد و این واژه با آنکه در لفـظ مفـرد است اما در معنا عام است و از نظر نحوی امکان معامله مفرد یا جمـع بـا آن وجـود دارد: نظیر واژه مفرد «بشر» که در این عبارت قرآنی از آن با فعـل جمـع خبـر داده شـده اسـت: «أَ بَشَرٌ یَهْدُونَنا» (التغابن، ۶)

واژه «اُمنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج و فعل مربوط به آن یعنی «تمنّی»، در ارتباط بـا

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

همه رسولان و انبیای الهی به کار رفته است: این برخلاف آیه ۱۲۱ سوره نساء است که در آن واژه «اَمانی» در ارتباط با شیطان مطرح شده است و او عامل به وجود آمدن «اَمانی» معرفی شده است. در صدر آیه ۵۲ سوره حج، شیطان در تقابل با اَمانیِ رسولان و انبیای الهی قرار دارد. این دوگانگی و تقابل نشان می‌دهد که از نگاه قرآن کریم «اَمانی» بر دو نوع هستند: ۱- اَمانی باطل که محصول تمنیه شیطان هستند. ۲- اَمانی حق که محصول «تمنّی» رسولان و انبیای الهی هستند.

تقبیح امانی عوام یهود، منافقان و مشرکان در قرآن کریم، که در بخش‌های پیشین به آن پرداخته شد، به دلیل باطل و بی اساس بودن آنهاست اما نمی‌توان ادعا کرد که از نظر قرآن کریم همه انواع «أمانی» مردود هستند. در روایتی نقل شده است که امام رضا ع در خطاب به علی بن یقطین از اَمانیِ فرج به نیکی یاد می‌کند: «قَالَ لِی أَبُو الْحَسَنِ ع الشِّیعَةُ تُرَبَّی بِالْأَمَانِیِّ مُنْذُ مِائَتَیْ سَنَة...» علامه مجلسی در شرح این روایت، عبارت «تُرَبَّی بِالْأَمَانِیِّ» را به این معنا می‌داند که، «به شیعیان گفته شده است که «گشایش چقدر نزدیک است و چه زود خواهد آمد» بنابراین احوالشان اصلاح یافته و قلوبشان تثبیت شده است.» طبق تصریح علامه مجلسی یکی از معانی «أمنیّة» «وعده دادن به امری دوست داشتنی» است. (مجلسی، ۱۷۶/۴).

اَمانیِ باطل مصداقی از «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» هستند که شیطان از سر فریبکاری به دشمنان تمام انبیاء وحی می‌کند. ایحاءِ «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» همچون تمنیّه شیطان، از فریبکاری او نشات می‌گیرد و در نتیجه قلب منکران معاد به آن مایل گشته و آن را می‌پسندند و آنها تحت تاثیر «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» هر چه بیشتر به کسب گناه روی می‌آرونـد (الانعام، ۱۱۳-۱۱۲). «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» به معنای کلامی آراسته شده و مزیّن است که ظاهری خوشایند دارد اما حقیقت و پایه‌ای ندارد. (طبرسی، ۵۴۵/۴) بنابراین با خوشایند بودن ظاهر «اَمانی» باطل سازگار است. کاربرد تعبیر «ایحاءِ شیاطین» در ارتباط با «زُخْرُفَ الْقَوْلِ» عبارت دیگری از «اِلقای شیطان» است (طوسی، ۲۴۲/۴) گاهی این دو تعبیر «ایحاء» و «القاء» در قرآن کریم به یک معنا به کار رفته‌اند: «إِنَّا سَنُلْقِی عَلَیْکَ قَوْلًا ثَقِیلاً» (المزمل، ۵) در این آیه «اِلقاء» به

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

معنای «اِیحاء» به کار رفته است. (طبرسی، ۵۷۰/۱۰) شیطان بـا ایحـاء «زُخْـرُفَ الْقَـوْلِ» و تمنیّه، اَمانی دشمنانِ انبیای الهی را شکل می‌دهد: یعنی باعث می‌شود آنها فریب خـورده و به خود وعده غلبه بر پیامبران الهی را داده و به سعی معاجزانه در اَمانیِ رسـولان و انبیـای الهی روی می‌آورند.

اَمانیِ القاء شده از سوی شیطان در تقابل با اَمانیِ رسولان و انبیای الهی قرار دارند: هـر یک از این دو گروه، به خود و پیروان خود، وعده غلبه بر دیگری را می‌دهند با ایـن فـرق که اَمانیِ رسولان و انبیای الهی حق و مستند به وحی الهی هستند اما اَمانیِ شیطان مزخرف و باطل است: شیطان قبل از تقابل پیروانش با انبیای الهی آنها را در توهم شکست‌ناپذیری، قرار می‌دهد اما هنگام رویارویی مستقیم، پیروانش را تنها مـی‌گـذارد و خـود را خـائف و ترسان از عقاب خدا معرفی می‌کند (الانفال، ۴۸). او در این هنگام بر حق بودن وعده‌هـای خدا و باطل بودن وعده‌های خود اقرار می‌کند (ابراهیم، ۲۲).

فرایند علم پیدا کردن اهل علم نسبت به حقانیت اَمانیِ رسولان و انبیای الهـی بـه ایـن صورت قابل تبیین است که با گذر زمان و عدم تحقق وعده‌های شـیطان، بطـلان اَمـانی او آشکار گشته و نسخ و زایل می‌گردند و با نسخ و زایل شدن آنها، امید مومنانِ اهل علم بـه تحقق اَمانیِ رسولان و انبیای الهی تقویت شده و دلهایشان به آن آرام می‌گیرد (الحج،۵۴)

در آیه ۵۲ سوره حج «اُمنیّه» رسولان و انبیای الهی، مصداقِ آیـات الهـی معرفـی شـده است: با آنکه واژه «اُمنیّه» مفرد است اما مفهوم آن عـام اسـت و بـه معنـای «اَمـانی» اسـت بنابراین از نظر نحوی تطبیق مفهوم «اُمنیّه» بر کلمه «آیـات» کـه جمـع اسـت، جـایز اسـت. «اَمانی» رسولان و انبیای الهی همان وعده‌های فرج و نوعی خبر دادن از غیب هستند و بـه این اعتبار در شمار آیات الهی و معجزات رسولان و انبیای الهی قرار دارند: آنها به اسـتناد وحی به خود و پیروان خود وعده پیروزی بر دشمنانشان را می‌دهند: در قـرآن کـریم واژه «آیه» در معنای معجزه به کار رفته و به اعتبار این معنا مصداق «غیب» معرفـی شـده اسـت (یونس،۲۰).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

دشمنانِ شیطان صفتِ رسولان و اَنبیای الهی با «سعی در این آیات» یعنی تلاش برای جلوگیری از تحققِ این پیشگوییهای غیبی، به دنبال به عجز در آوردن رسولان و انبیای الهی و ممانعت از تحققِ وعدههای آنها هستند تا شکستِ اَمانیِ رسولان و اَنبیای الهی را نظاره کنند و در برابر آنها، رسولان و انبیای الهی به استقامت پرداخته و از خداوند درخواست فرج و غلبه بر آنها را دارند. بنابراین هر گروه در معاجزه با گروه دیگر قرار دارد که در آیه ۵۱ سوره حج و سابق بر ذکر تمنّی رسولان و انبیای الهی، به این سعی معاجزانه کافران در آیات الهی، اشاره شده است. «سعی کافران در آیات الهی» در آیه ۵۱ با «اِلقای شیطان در اَمانیِ رسولان و انبیای الهی» در آیه ۵۲ تفسیر شده است: شیطان با تمنیّه یا همان اِلقای وعدههایی بی اساس بر دل پیروان بیمار دل و قسی القلب خود، در دل آنها نسبت به تحقق اَمانیِ رسولان و انبیای الهی ایجاد شک میکند در نتیجه آنها گمراه شده و همواره و حتی تا زمان تحققِ اَمانیِ رسولان و انبیای الهی در این دنیا، در شک خود باقی خواهند ماند مگر آنکه پیش از تحقق اَمانیِ رسولان و انبیای الهی، مرگشان به طور ناگهانی فرا رسد (الحج، ۵۵). عکس العمل این منافقان بیمار دل و قسی القلب در برابر وعده فرج رسولان و انبیای الهی توام با انکار است و ادعا میکنند که خدا و رسولش آنها را فریب دادهاند (الاحزاب، ۱۲).

از منظر بافتِ سوره، ذکر «تمنّی» و «اُمنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، با محتوای اصلی این سوره که مربوط به مناسک حج است، رابطه نزدیکی دارد: واژه «تمنّی» با نام سرزمین «منی» هم ریشه است که محل رمی جمرات در پایان مراسم حج است و در این محل مسلمانان به تاسّی از حضرت ابراهیم ع به طرف نماد شیطان سنگ پرتاب (=القا) میکنند: پرتاب سنگ به طرف نماد شیطان پاسخی نمادین به «القاءات شیطان» است. نام بُت منات نیز با مراسم حج مرتبط است: در زمان جاهلیت اُوس و خزرج در پایان مراسم حج عمل حلق را فقط در کنار بُت منات انجام میدادند و بدون آن حج خود را کامل نمیدانستند (حموی، ۲۰۵/۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

شواهد ارایه شده نشان می‌دهد که فعل «تمنّی» و واژه «اُمنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج به معنای «وعده دادن به خویشتن» به کار رفته است و مصداق آن وعده‌های فرج است. معنای دیگری که اهل لغت برای فعل «تمنّی» ذکر کرده‌اند، «تلاوت با ترسّل» است و در این ارتباط به شیوه تلاوت زبور توسط حضرت داود ع اشاره شده است: «تمنّی داودَ الزبورَ علی رِسل» (ابن منظور، ۲۹۴/۱۹). «ترسّل» خواندن به سبک تحقیق و بدون عجله است و در غنا به نوعی کشش صوت در تلاوت گفته می‌شود (فیومی، ۲۲۶). معنای «ترسّل» به معنای «تاویب» نزدیک است: قرآن کریم به «تاویب» حضرت داود ع اشاره می‌کند (سبا،۱۰) و علامه طباطبایی «تاویب» را به معنای «ترجیع صوت برای تسبیح» می‌داند (طباطبایی، ۳۶۲/۱۶) «ترجیع صوت» به معنای زیبا ساختن صوت هنگام قرائت است (طریحی، ۳۳۴/۴). حضرت داود ع به مناجات با صوت خوش معروف بوده است. یکی دیگر از معانی‌ای که اهل لغت برای فعل «تمنّی» ذکر کرده‌اند «درخواست از خدا در حوائج» است (ازهری، ۳۸۳/۱۵). معنای اخیر با معنای «تلاوت با ترسّل» یا همان تاویب، قابل جمع است زیرا «درخواست از خدا در حوائج» گاهی به شکل «مناجات» است و مناجات گاهی با تاویب همراه می‌شود. مناجات‌های حضرت داود ع با نام مزامیر داودی در میان مزامیر عهد عتیق درج شده‌اند و به شکل سرود خوانده می‌شوند. هاکس به بیش از هفتاد سروده از سروده‌های داود (ع) در میان مزامیر عهد عتیق اشاره کرده است (هاکس، ۸۰۰-۷۹۶). تقریبا در تمام مزامیری که سروده حضرت داود (ع) هستند دعا برای نجات از شر دشمنان وجود دارد و همه با وعده‌های فرج تکمیل می‌شوند به این صورت که حضرت داود ع از طرف خداوند به خود وعده شکست دشمنان را می‌دهد. در ادامه نمونه‌هایی از مزامیر داودی ذکر می‌شود که به علت پراکنده بودن این مزامیر بین سایر مزامیر، شماره نمونه‌های ذکر شده متوالی نیست اما تقریبا در تمام مزامیر داودی «وعده فرج» وجود دارد: «وعده فرج» حضرت داود (ع) در مزمور سوم از مزامیر عهد عتیق چنین است: «خداوندا، دشمنان بسیار دارم... «**تو به من پیروزی می‌بخشی**»» در مزمور ششم از زبان حضرت داود (ع)

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

چنین آمده است: «بیا ای خداوند و مرا نجات بده:... ای بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند صدای گریه مرا شنیده است. خداوند التماس مرا شنیده و دعای مرا مستجاب نموده است. «**دشمنانم بشدت شرمنده گردیده و با خجالت از پیشگاه خداوند رانده می‌شوند.**» حضرت داود (ع) در مزمور هفتم چنین می‌سراید: «ای خداوند، خدای من! به تو پناه می‌آورم. مرا از دست تعقیب کنندگانم برهان... «**خداوند نگهبان من است و راست‌دلان را نجات می‌دهد**».» آن حضرت (ع) در مزمور یازدهم چنین مناجات می‌کند: «من بر خدا توکل دارم. چرا به من می‌گویید: «مانند پرنده به کوهها فرار کن زیرا شریران کمان به دست گرفته و تیر به زه نهاده‌اند...**[خداوند] بر شریران، باران آتش و گوگرد می‌فرستد و نصیب آنان، بادهای سوزاننده است**».» در مزمور سیزدهم حضرت داود (ع) چنین می‌سراید: «ای خداوند، خدای من، بر من توجه کن و دعایم پاسخ بده! به من نیرو ببخش و از مرگ نجاتم ده. مبادا دشمنانم بگویند: «ما بر او پیروز شدیم.» نگذار که دشمنانم از شکست من شاد شوند. اما من به رحمت تو توکل دارم و دل من شاد است، زیرا «**تو مرا نجات خواهی داد**».» ... در مزمور چهلم، حضرت داود (ع) پس از یادآوری الطاف عجیب و کثیر الهی در حق خودش چنین می‌گوید: «خداوندا، در بین جماعت تو، این مژده را اعلام کرده‌ام که «**تو ما را نجات می‌دهی**». تو می‌دانی که من هرگز در این مورد سکوت نکرده‌ام، و من مژده نجات را در دل خود پنهان نکرده‌ام...» مزمور سی و هفتم سرشار از «أمانی» حضرت داود (ع) است در آیه بیست و نهم از این مزمور چنین آمده است: «مردم صالح وارث زمین خواهند شد و همیشه در آنجا زندگی خواهند کرد.» در قرآن کریم به این «وعده» حضرت داود (ع) اشاره شده است (الانبیاء، ۱۰۵). در روایات اهل بیت (ع) این وعده، بر فرج امام زمان (ع) تطبیق شده است (بحرانی، ۸۴۸/۳). از منظر سبک ارجاعی قرآن کریم، به نظر می‌رسد ذکر واژه «نبی» به طور خاص پس از واژه «رسول» و در صدر آیه ۵۲ سوره حج، ارجاع به حضرت داود (ع) به عنوان شاخص‌ترین انبیای الهی دارد: قرآن کریم آن حضرت را در شمار انبیا قرار داده و از او به طور خاص یاد می‌کند (الاسراء، ۵۵). واژه «نبی» هم ریشه با

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

واژه «نبإ» به معنای «خبر» است و از منظر لغوی متناسب با مقام نبوی اِخبار از غیب است (طباطبایی، ۱۴۰/۲). مقام «رسول» نیز مبتنی بر «نبوت» و خبرهای غیبی است چون «رسالت» از جنس خبرهای غیبی است (طباطبایی، ۳۲۵/۱۶). بنابراین ذکر واژه «رسول» و «نبی» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، با بیان وعده غیبی فرج تناسب دارد.

مفسران در تفسیر واژه «اُمنیّه» در صدر آیه ۵۲ سوره حج، سه معنای «آرزو»، «تلاوت» و «با خود حدیث گفتن» را ذکر کرده‌اند (به ترتیب نک: طباطبایی، ۳۹۱/۲، قرطبی، ۸۰/۱۲، میبدی، ۳۸۶/۶). معنای «آرزو» براساس نقدی که در پیشینه ذکر شد ماهیتی انشائی دارد و قابل قبول نیست هر چند که ارتباط این معنا با معنای منتخب یعنی «وعده خوشایند دادن به خود و پیروان خود» تنگاتنگ است چون انسان آن چیزی را به خود وعده می‌دهد که قبلا آرزو کرده است. معنای احتمالی «با خود حدیث گفتن» با مطاوعه موجود در مصدر «تمنّی» سازگار است و با معنای منتخب در این مقاله یعنی «به خود وعده خوشایند دادن» قابل جمع است. معنای احتمالی «تلاوت» و معنای لغوی «درخواست از خدا در حوائج» نیز با معنای منتخب قابل جمع‌اند و هر یک می‌تواند توصیف جنبه‌هایی خاص از معنای «وعده خوشایند دادن به خود و پیروان خود» باشد: با این توضیح که گاهی انبیای الهی همچون حضرت داود ع در لحظاتی که زبان به مناجات و «درخواست از خدا در حوائج» می‌گشودند و هنگامی که از طریق مناجات خوانی و تلاوت به درگاه الهی نزدیک می‌شدند، از طریق الهام وعده نصرت را دریافت می‌کردند و در میانه مناجات خوانی به خود وعده فرج و پیروزی می‌دادند.

۶- نتایج مقاله

از معناشناسی واژه‌های «اَمانی» و «اُمنیه» در بافتارِ آیاتِ قرآن کریم این نتیجه کلی حاصل می‌شود که این واژه‌ها در تمام کاربردهای قرآنی خود با مفهوم «وعده» ارتباط معناشناختی نزدیکی دارند:

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

۱ـ در آیه ۷۸ سوره بقره، واژه «اَمانی» در بافتار مربوط به تحریف و کتمان «وعـده» تـوراتی بعثت رسول اکرم (ص) توسط علمای یهود به کار رفته است و مصداق آن رهایی سریع از آتـش جهنم است که یهودیان غرق در گناه بی‌هیچ مستندی از تورات به خود وعده می‌دادند.

۲ـ در آیه ۱۱۱ سوره بقره، واژه «اَمانی» با اسم اشاره «تِلْکَ» به این «وعده» باطل یهـود و مسیحیان مربوط شده است که هر یک به خود وعده بهشت می‌دادند.

۳ـ در آیه ۱۴ سوره حدیـد، واژه «اَمـانی» از طریـق وصـفِ غَـرور بـودن شـیطان بـه «وعده‌های» فریبنده او پیوند خورده است.

۴ـ واژه «اَمانی» در آیه ۱۲۳ سوره نساء، به وعده بخشوده شدن مکافات عمل در همین دنیـا مربوط گشته که مشرکان نزد بت منات به خود «وعده» می‌دادند. همچنین این واژه بـه و عـده‌ای مشابه که ساخته و پرداخته یهودیان دنیاپرست بود، مرتبط است که با وجود غرق بودن در گنـاه دل خود را به بخشوده شدن گناهان و رهایی سریع از جهنم خوش کرده بودند.

۵ـ واژه «اُمنیّه» در آیه ۵۲ سوره حج، به معنای «وعده خوشایند دادن به خود و پیروان خود» است و مصداق آن «وعده» فرج الهی است که رسولان و انبیای الهی به اسـتناد وحـی به خود و پیروان خود نوید می‌دادند. از منظر سبک ارجاعی قرآن کریم، پیوند واژه «اُمنیّـه» در صدر آیه ۵۲ سـوره حـج بـا واژه «نبـی»، بـه حضـرت داود علیـه‌السـلام بـه عنـوان شاخص‌ترین نبی الهی ارجاع می‌دهد بر پایه این شناخت مخاطبان از کتاب او یعنی «زبور» بوده است که حاوی «اَمانی» حق و از جمله «اُمنیّه» فرج است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

کتابشناسی

۱. القرآن الکریم.

۲. کتاب مقدس.

۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.

۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ا لتحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ، چاپ اول، بی‌تا.

۷. ابن عجیبه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره:دکتر حسن عباس زکی، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

۹. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.

۱۰. بابایی، علی‌اکبر و همکاران، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.

۱۱. بغدادی، علی بن محمد، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۱۲. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

۱۳. بیضاوی، محمد بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۱۴. بیومی، محمد، بیروت: ناشر: دار النهضة العربیه، چاپ دوم، ۱۹۸۸م.

۱۵. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: مکتبه جریر، چاپ اول، ۲۰۰۶م.

۱۶. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، بی‌تا.

۱۷. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵م.

۱۸. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر الاسلامی، چاپ اول، بی‌تا.

۱۹. عموش، خلود، گفتمان قرآن: بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.

۲۰. ریپین، اَندرو، «تحلیل ادبی قرآن، تفسیر و سیره: نگاهی به روش‌شناسی جان ونزبرو»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، پژوهشهای قرآنی، دوره ششم، ش ۲۳، ۱۳۷۹ش.

۲۱. زحیلی، وهبة بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.

۲۲. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.

۲۳. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، بی‌تا.

۲۴. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القران، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]

۲۵. همو، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۶. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحیط فی اللغة، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۷. صفوی، کورش، درآمدی بر معنی شناسی، تهران: سوره مهر، چاپ دوم،۱۳۸۳ش.
۲۸. همو، فرهنگ توصیفی معنی شناسی، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ اول،۱۳۸۴ش.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم،۱۳۷۲ ش.
۳۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی‌تا.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب،۱۴۰۴ق.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۳۸. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
۳۹. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر، چاپ اول،۱۳۷۷ش.
۴۰. هواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز، الجزایر: دار البصائر، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.7.8]